



دیدگاه فلاسفه درباره ملائکه خلاف ضروریات ادیان آسمانی است

سیفی مازندرانی ضمن نقل سخنان علامه مجلسی درباره دیدگاه فلاسفه در باب خصوصیات ملائکه تصریح کرد: این مطالب فلاسفه خلاف ضروریات دین است و حتی خلاف ضروریات تمام ادیان آسمانی است و هیچ اساسی جز خیال و وهم ندارد.

سیفی مازندرانی ضمن نقل سخنان علامه مجلسی درباره دیدگاه فلاسفه در باب خصوصیات ملائکه تصریح کرد: این مطالب فلاسفه خلاف ضروریات دین است و حتی خلاف ضروریات تمام ادیان آسمانی است و هیچ اساسی جز خیال و وهم ندارد.

آیت الله سیفی مازندرانی

به گزارش ایکن، جلسه تفسیر قرآن کریم، توسط آیت الله علی اکبر سیفی مازندرانی، از اساتید درس خارج حوزه علمیه قم، روز گذشته با محوریت سوره بقره برگزار شد.

در ادامه گزیده متن این جلسه را می خوانید؛

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

در مورد این آیه چند پرسش مطرح است؛ یکی اینکه «انی جاعل» به معنای خلقت است یا نصب است. سوال دیگر این است که مراد از «ارض» چیست. جعل به معنای نصب است چون آیه بر وزان آیه «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» است منتهی این نصب پس از خلقت است. اساسا جعل خلیفه توسط خداوند به معنای نصب است، ولی در اینجا مقصود نصب پس از خلقت است چون وقتی این کلام از ذات مقدس حق صادر شد، ملائکه گفتند: «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ». خود این قرینه ای است که نصب بعد از خلقت آدم است، چون تا آدم وجود نداشته باشد نصبش امکان ندارد. «اذ قال ربك» زمانی است که هنوز آدم خلق نشده بود. مقصود از «ارض» هم همین کره خاکی است که روی آن زندگی می کنیم. اعتقاد به وجود ملائکه از ضروریات دین است

بحث ملائکه بحث گسترده ای است. من در کتاب «البراهین الواضحه» مفصل در این رابطه بحث کردم. اصل وجود ملائکه از ضروریات دین است چون آیات قرآن مجید و نصوص روایات به وجود ملائکه تصریح کردند و جزء ضروریات دین می شود.

سوال این است که چگونه ممکن است تصور شود جبرئیل در غیر صورت اصلی خودش به صورت دحیه کلبی متصور شود. این سوال اول است. سوال دوم است آیا خودش می تواند خودش را به این صورت دربیآورد یا خدا او را به صورت دیگری درمی آورد.

«فأجاب - رحمه الله - بأن نزول جبرئیل بصورة دحیه كان بمسألة من النبي صلى الله عليه وآله لله تعالى في ذلك». پاسخ سیدمرتضی این است که خود پیامبر(ص) درخواست کرد جبرئیل به صورت دحیه کلبی بیاید. حتما سیدمرتضی بر اساس روایتی این مطلب را بیان کرده است، والا ایشان مثل ما مسائل وحیانی را بر اساس عقل ناقص خودش تفسیر نمی کند. «أما نظوره فلیس بقدرته، بل الله يصوره كذلك صورة حقيقة لا تشكيل». شکل گیری صورت جبرئیل به قدرت خودش نیست بلکه خداوند حقیقتا او را به آن صورت درمی آورد. اصلا ذات ملک این است که به اشکال مختلف دربیاید. نکته بعد اینکه ابلیس و جن نمی توانند خودشان را به صورتی دربیآورند و هر کدام از موجودات آسمانی قدرتشان به مشیت پروردگار است و از خودشان قدرت مستقلی ندارند. «وأما إبليس والجن فليس يقدر على التصور، وكل قادر بقدره فحكمهم سواء في أنهم لا يصح أن يصوروا نفوسهم».

سوال دیگر این است وقتی اهل بهشت به بهشت رفتند، حکم ملائکه چیست و کجا می روند؟ «وسئل - رحمه الله - أيضا: إذا حصل أهل الجنة في الجنة ما حكم الملائكة؟ هل يكونون في جنة بني آدم أو غيرها؟ وهل يراهم البشر؟ وهم يأكلون ويشربون مثل البشر أو تسبيح وتقدس؟ وهل يسقط عنهم التكليف؟ وكذلك الجن». پاسخ سیدمرتضی این است می توانند در بهشت انسان ها باشند، می توانند در بهشت دیگری باشند؛ «فأجاب - رحمه الله - أنه يجوز أن يكونوا في الجنة مع بني آدم، ويجوز أن يكونوا في جنة سواها، فإن الجنان كثيرة جنة الخلد، وجنة عدن، وجنة المأوى، وغير ذلك مما لم يذكره الله تعالى».